Review

The Effect of Iranian Mothers' Employment on Their Children's Mental health

Sahar Soufi[1], Samaneh Behzadpour[2*]

1. M.A in school counselling, Department of educational and developmental psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
2. PhD candidate in clinical psychology, Department of clinical and health psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

*. Corresponding Author: E-mail: Samaneh_behzapoor@yahoo.com

(Received 15 April 2020; Accepted 18 July 2020)

Abstract

Employment of mothers can have different consequences and effects on their children. The aim of this study was to examine the effect of Iranian mothers' employment on their children's mental health. This study was a systematic review and 4 international electronic databases- Scopus ،Science direct, PubMed, & google scholar and 4 domestic databases- Magiran, Ensani, Noormags, & SID during 2000-2020 were searched using a comprehensive search strategy with determinesd keywords. As a result of this search, 261 articles retrieved. According to a PRISMA method and use of an inclusion and exclusion criteria, 11 research papers were selected to entry of the research. The findings of the research were mixed. Some findings suggest that maternal employment increases the development of externalized and internalized disorders in children and weakens the parent-child relationship. On the other hand, some findings have shown that maternal
a comprehensive model of the impact of mother's employment on Iranian children's employment has a positive effect on the child's mental health. Also, some studies have not reported a difference in the mental health of children with working and non-working mothers. Given the different and mixed results of research, it seems that many factors besides mother's employment affect children's mental health that without considering them in the analysis, we can not provide mental health. So, it could be concluded that the mediating role of some variables including mother's satisfaction with her job, job schedule of mother, the stress level of mothers in work place, the age of the child, father's participation in parenting, etc. that can be investigated in future research.
The role of mediator variables has been neglected in this respect.

Keywords: Employment, Working mother, Children, Mental health.

ClinExc 2020;10(22-32) (Persian).

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

تأثیر اشتغال مادران ایرانی بر بهداشت روانی کودکانشان: یک مرور نظام‌مند

سحر صوفی[۱]، سمانه بهزادپور[۲*]

چکیده

اشتغال مادران می‌تواند پیامدها و تأثیرات متفاوتی بر سلامت روانی کودکان آن‌ها داشته باشد. هدف این مطالعه بررسی تأثیر اشتغال مادران ایرانی بر بهداشت روانی فرزندان آن‌ها بود. روش این مطالعه، روش مروری نظام‌مند بود. به همین منظور، چهار پایگاه اطلاعاتی بین‌المللی شامل Scopus، Science direct و PubMed و google scholar (در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۰) و ۴ پایگاه اطلاعاتی داخلی یعنی بانک اطلاعات نشریات کشور، پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه مجلات تخصصی نور و مرکز اطلاعات علمی دانشگاهی(در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۸) با استفاده از راهبرد جستجوی دقیق و کلیدواژه‌های تعریف‌شده موردبررسی قرار گرفتند. درنتیجه این جستجو ۲۶۱ مقاله بازیابی و بر اساس دستورالعمل پریزما و ملاک‌های ورود و خروج، ۱۱ مقاله برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. نتایج پژوهش‌ها حاوی یافته‌های متناقضی بود. برخی یافته‌ها نشان دادند که اشتغال مادر احتمال ابتلای کودک به اختلالات درونی سازی و برونی‌سازی را افزایش و رابطه والد_کودک را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، برخی یافته‌ها نشان دادند که اشتغال مادر بر بهداشت روانی کودک اثر مثبتی دارد. برخی پژوهش‌ها نیز تفاوتی را در بهداشت روانی فرزندان دارای مادران شاغل و غیر شاغل گزارش نکردند. با توجه به وجود نتایج متفاوت و بعضاً متناقض در یافته‌های پژوهش‌ها، به نظر می‌رسد عوامل بسیاری در کنار اشتغال مادر بر سلامت روان کودکان اثرگذار هستند که بدون لحاظ کردن آن‌ها در تحلیل‌ها، نمی‌توانیم مدلی جامع و کامل از تأثیر اشتغال مادر بر سلامت روان کودکان ایرانی ارائه نمود. پس می‌توان نتیجه گرفت که بررسی نقش متغیرها واسطه‌ای از جمله میزان رضایت مادر از شغل خود، برنامه کاری مادر، میزان استرس زا بودن شغل مادر، سن کودک، میزان مشارکت پدر در فرزند پروری و ... در این زمینه مغفول مانده است که باید در تحقیقات آتی موردبررسی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، مادران شاغل، کودکان، بهداشت روان.

مقدمه

خانواده یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که کودک در آن متولدشده و پرورش می‌یابد و خود را برای ورود به جامعه آماده می‌کند(۱). زنان در این نهاد مهم اجتماعی نقش‌های متعددی دارند که بر سلامت و بهزیستی تمام اعضای خانواده اثرگذار است(۲). در هر جامعه‌ای در سراسر جهان، مادران مسئولیت اصلی مراقبت از نوزادان و کودکان را برعهده دارند.

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه روانشناسی تربیتی و تحولی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲.کاندیدای دکتری روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی بالینی و سلامت Email: Samaneh_behzapoor@yahoo.com
تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۱/۲۷ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۱۳۹۹/۳/۲۴ تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۴/۲۸

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

نقش یک مادر بسیار حائز اهمیت است نه به خاطر مهارت خاصی که دارد بلکه به خاطر زمانی که با کودکان سپری می‌کند و رفتار و تربیت او تأثیر زیادی بر نگرش‌ها، باورها، توانایی‌ها و رفتار کودکان دارد(۳).

یکی از حوزه‌ای تغییر در زندگی اجتماعی در عصر مدرن، تغییر و تحولات در زندگی زنان و مادران است. این تحولات باعث ایجاد تغییراتی در باورها و نگرش‌های اجتماعی در مورد زنان و نیز تغییر در نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و فردی آنان شده است. در بین این تغییرات، اشتغال زنان از اهمیتی به سزایی برخوردار است. یکی از حوزه‌هایی که اشتغال مادران می‌تواند تأثیر زیادی بر آن بگذارد، رابطهٔ بین آن‌ها و کودکانشان و سلامت روان و رشد کودکانشان است(۱).

دوران کودکی از مهم‌ترین دوران زندگی برای رشد و کسب مهارت است و عدم توجه کافی به این دوره مهم زندگی می‌تواند خطر نقایص جدی در رشد اجتماعی-هیجانی را به دنبال داشته باش(۵-۴). ساختار مغز و فرآیند شکل‌گیری مهارت‌ها قویاً به‌وسیلهٔ تجربه‌هایی که فرد در دوران کودکی کسب می‌کند، تعیین می‌شوند و مهارت‌های سطح بالا بر اساس مهارت‌های اساسی که در دوران کودکی رشد کرده‌اند، ساخته و بنا می‌شوند(۶). در این دوران مهم زندگی، سلامت روان بسیار حائز اهمیت است. سلامت روان ضعیف در دوران کودکی با پیشرفت تحصیلی پایین، مشکلات استخدامی، رفتارهای ضداجتماعی، احتمال سوءمصرف مواد را در دوران نوجوانی و بزرگ‌سالی پیش‌بینی می‌کند(۹-۷). ارتقای عملکرد هیجانی و رفتاری کودک و ارتقای سلامت روان او یک فرآیند پرهزینه و وقت‌گیر است که مستلزم سرمایه‌گذاری‌های زمانی و عاطفی برای کودک است و ازآنجایی‌که والدین مهم‌ترین افراد در رشد کودک و سلامت روان او هستند، منابع والدینی در تسهیل این فرآیند بسیار تأثیرگذار است(۱۰). منابع والدینی عبارت است از کیمیت و کیفیت زمانی که والدین در اختیار کودکانشان قرار دارند، تلاش برای نظارت و ارتباط برقرار کردن با آن‌ها و سرمایه‌های اقتصادی که خرج فعالیت‌هایی جهت رشد و سلامت روان کودک می‌شود(۱۱).

اشتغال زنان ترکیب منابعی که مادران می‌توانند جهت ارتقای سلامت روان و رشد کودکانشان به کار ببرند را تغییر داده است و می‌تواند روابط خانوادگی و فرزند پروری را از طریق فرآیندهای چندگانه شکل دهد(۱۳-۱۲). در این راستا، نظریه تعارض کار-خانواده(۱۴). مطرح می‌کند که زمان و انرژی محدودند و مشارکت زنان در محیط‌های کاری می‌تواند منجر به تعارض با نقش فرزند پروری آن‌ها شده و به‌نوبهٔ خود باعث افزایش استرس والدگری و کاهش کیفیت فرزند پروری گردد. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اشتغال مادران می‌تواند منجر به تعادل ضعیف بین کار و خانواده شود(۱۵)، تعارض بین خانواده و محل کار را افزایش دهد(۱۶) و زمانی که مادر می‌تواند به کودکش اختصاص بدهد و با او ارتباط داشته باشد را کاهش می‌دهد(۱۷) و این شرایط می‌تواند اثر سوء بر سلامت روان کودک بگذارد. از سوی دیگر، نظریه گسترش و نظریه غنی‌سازی خانواده-کار(۱۹-۱۸) ادعا می‌کنند که مشارکت زنان در بازار کار می‌تواند برای بهزیستی خودشان و روابط خانوادگی آن‌ها با افزایش درآمد خانواده، دریافت حمایت اجتماعی و فرصت‌هایی برای تجربه موفقیت و افزایش عزت‌نفس و خودکارآمدی آن‌ها، سودمند باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اشتغال مادران می‌تواند درآمد خانواده را افزایش دهد(۲۰)، سلامت روان مادران را بهبود ببخشد(۲۱) و کودکان می‌توانند از مزایای بودن در مراکز مراقبتی رسمی بهره برند(۲۲). این عوامل می‌تواند باعث ارتقای سلامت روان و رشد هیجانی، رفتاری و اجتماعی کودکان شود.

به‌علاوه، در کشورهای آسیایی، امری عادی است که پدربزرگ و مادربزرگ مسئولیت نگهداری از نوه‌هایشان را در سنین کودکی، هنگام اشتغال مادران بر عهده داشته باشند(۲۳). با وجودی که پدربزرگ و مادربزرگ‌ها می‌تواند مسئولیت‌های فرزندپروری والدین را کاهش داده و در غیاب آن‌ها از فرزندانشان

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

محافظت کنند، پرورش کودکان توسط پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و گذراندن زمان زیادی از دوران کودکی در کنار آن‌ها، می‌توان چالش‌های دیگری در رابطهٔ والد-کودک ایجاد کرده و استرس والدینی را افزایش دهد(۲۴).

همان‌طور که مطرح شد، یافته‌ها در زمینه تأثیر اشتغال مادر بر سلامت روان کودکانشان متناقض است. برخی به تأثیرات مثبت و برخی به تأثیرات منفی اشتغال مادر اشاره‌کرده‌اند. در داخل ایران نیز برخی مطالعات به این حوزه مهم تحقیقاتی پرداخته‌اند و از جهات مختلف این پدیده و تأثیر آن بر سلامت روان کودکان ایرانی را بررسی کرده‌اند. لذا نیاز به بررسی جامعی برای یکپارچه کردن و تحلیل نتایج پژوهش‌ها ضروری احساس می‌شود. بحث در زمینه آسیب‌شناسی و نیز فواید اشتغال مادر ایرانی بر فرزندانشان می‌تواند از بسیاری جهات سودمند باشد. با تحلیل و بررسی اثرات منفی اشتغال مادران بر فرزندانشان می‌توان در جهت پیشگیری این آثار منفی و کمک به ارتقای سلامت روان کودکان دارای مادران شاغل و نیز آموزش روش‌های فرزندپروری مختص مادران شاغل جهت کاهش مشکلات سلامت روان کودکان آن‌ها گام برداشت. لذا در این مقالهٔ مروری، هدف بررسی کلی و جامع تأثیر اشتغال مادران ایرانی بر بهداشت روان فرزندانشان از منظر تحقیقات انجام رفته است.

روش کار

مطالعه مروری نظام‌مند حاضر در سال ۱۳۹۸ طراحی و انجام شد و بر اساس دستورالعمل مطالعات مروری نظام‌مند پریزما[1] می‌باشد(۲۵).

استراتژی جستجو: برای به دست آوردن مقالات منتخب جهت ورود به تحلیل، پایگاه‌های داخلی مرکز اطلاعات[2]، پرتال جامع علوم انسانی[3] و پایگاه مجلات تخصصی نور[4] با ترکیبی از کلیدواژه‌های فارسی اشتغال مادران، مادران شاغل، زنان شاغل و اشتغال زنان، کودکان، فرزندان از سال ۱۳۹۸-۱۳۸۰ و پایگاه‌های خارجی Scopus،google scholar, direct Science و PubMed با ترکیبی از کلیدواژگان working mother, working women, mother's employment women's employment, child, Iran از سال ۲۰۲۰-۲۰۰۰ جستجو شدند.

ملاک‌های ورود و خروج: ملاک‌های ورود در این پژوهش شامل مقالاتی بودند که به بررسی تأثیر اشتغال مادر بر سلامت روان کودکان ایرانی پرداخته بودند، در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۰ برای مقالات موجود در پایگاه‌های داخلی و ۲۰۲۰-۲۰۰۰ برای مقالات موجود در پایگاه‌های خارجی و بر روی کودکان ایرانی انجام‌شده و به زبان فارسی یا انگلیسی و اصیل پژوهشی بودند. ملاک‌های خروج نیز شامل مقالاتی بودند که گروه نمونهٔ آن‌ها شامل کودکان(۱۸-۰ سال) نبودند، مروری بوده و متن کامل آن‌ها در دسترس نبود.

روش انتخاب مقالات: بر اساس جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مذکور، درمجموع ۲۶۱ مقاله بازیابی شدند. همچنین بر اساس کلیدواژه‌های تعیین‌شده، یک جستجوی آزاد در موتور جستجوی گوگل نیز انجام شد تا منابع مرتبط موجود که از پایگاه‌های مذکور بازیابی نشده‌اند نیز به مقالات افزوده شوند. رفرنس‌های منابع بازیابی شده نیز موردبررسی قرار گرفتند تا مقالات مرتبط وارد روند بررسی شوند. حاصل این دو جستجو ۵ مقاله بود که در روند بررسی قرار گرفتند. بعد از حذف مقالات تکراری(۹۵ مقاله)، ۱۷۱ مقاله وارد غربالگری اولیه شدند. مقالات بر اساس عنوان و چکیده بررسی و مقالات نامرتبط به موضوع، مقالات مروری و مقالاتی که گروه نمونه‌ای غیر از کودکان ۱۸-۰ ساله بودند(اشاره‌شده در چکیده مقالات) از روند بررسی حذف شدند(۱۵۲ مقاله) و تعداد ۱۹ مقاله برای بررسی تمام متن، انتخاب شدند. در این مرحله،۶ مقاله به دلیل

1. PRISMA
2. magiran.ir
3. ensani.ir
4. noormags.ir

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

اینکه کامل آن‌ها در دسترس نبود و نیز بر اساس ملاک ورود و خروج از روند پژوهش حذف و درنهایت ۱۳ مقاله وارد تحلیل نهایی شدند. از بین این مقالات تنها یک مقاله به زبان انگلیسی بود و از پایگاه‌های لاتین بازیابی و وارد تحلیل نهایی شد. ۱۰ مقاله دیگر فارسی و از پایگاه‌های داخلی بازیابی و وارد تحلیل شدند.

ارزیابی مقالات: برای اطمینان از کیفیت مقالات انتخاب‌شده، تمام مراحل جستجو، غربالگری و انتخاب نهایی مقالات، توسط دو پژوهشگر مستقل که هر دو دانشجوی دکتری روانشناسی بودند، صورت گرفت. و اگر اختلاف‌نظری وجود داشت با بحث و گفت‌وگو حل‌وفصل شد که کدام مقاله بماند و کدام مقاله حذف شوند. درمجموع ۱۱ مقاله برای بررسی نهایی باقی ماندند.

یافته‌های پژوهش‌ها که در جدول شماره ۱ آمده است، نشان می‌دهند پژوهش‌ها حاوی نتایج متفاوت و بعضاً متناقضی بودند. برخی از پژوهش‌ها تأثیرات منفی اشتغال مادران را بر کودکانشان برجسته کردند. این تأثیرات منفی شامل بروز اختلالات درونی سازی در کودکان ازجمله افسردگی، اضطراب، کاهش اشتها و خواب ، افزایش اختلالات برونی‌سازی شامل ناسازگاری، نافرمانی و رفتارهای ضداجتماعی و چالشی و نیز تضعیف رابطه والد-کودک بود که خود می‌تواند پیش‌بینی کننده کاهش در بهداشت روانی کودک باشد(۲۷-۲۶، ۲۹-۳۲). همچنین برخی از این پژوهش‌ها نشان دادند که این تأثیرات منفی با ساعت کاری و نوبت‌کاری مادران رابطه مثبت دارد و هر چه قدر ساعت و نوبت‌کاری مادران کمتر باشد، رشد اجتماعی کودکشان بیشتر خواهد بود(۳۵). همچنین رضایت شغلی با سلامت روان کودکان ارتباط مثبتی داشت(۲۸، ۳۱).

از سوی دیگر برخی یافته‌ها تأثیرات مثبتی را از اشتغال مادران بر کودکانشان گزارش کردند. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان دادند که کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران غیر شاغل در ایران کیفیت زندگی، سازگاری اجتماعی، پیشرفت و وضعیت تحصیلی بهتر، جامعه‌پذیری، خودکفایی و استقلال بالاتری دارند(۲۸، ۳۰، ۳۶).

به‌علاوه، برخی پژوهش‌ها نیز رابطهٔ معناداری را بین کودکان دارای مادران شاغل و غیر شاغل ازنظر اختلالات برون‌نمود، مشکلات رفتاری و ارضای نیازهای روان‌شناختی نیافتند(۲۷، ۳۳، ۳۴).

یافته‌ها

مقالات منتخب بر اساس چارت پریزما، موردبررسی قرار گرفتند و اطلاعات و یافته‌های حاصل از آن‌ها، در جدول شماره ۱ آمده است.

بحث

بر اساس نتایج پژوهش‌ها که در جدول شماره ۱ آمده است، برخی از یافته‌ها بر تأثیر منفی اشتغال مادر و برخی بر تأثیر مثبت آن بر سلامت روان کودکان دلالت دارند. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشخص است، پژوهش‌ها بر روی کودکانی با سنین مختلف و نیز در شهرهای مختلف ایران انجام‌گرفته‌اند. شاید تفاوت در سن کودکان شرکت‌کننده در پژوهش و نیز تفاوت در شهرهایی که این پژوهش‌ها انجام‌گرفته‌اند بتواند تا حدی تفاوت در یافته‌ها را توجیه کنند.

تحقیقات در این زمینه، در ایالت متحده و انگلیس نیز یافته‌های متناقضی را نشان دادند. برخی از مطالعات(۳۸-۳۷) دریافتند که اشتغال مادر برای عملکرد اجتماعی-هیجانی کودک مفید است، درحالی‌که مطالعات دیگر اشتغال مادر را به ضرر عملکرد روان‌شناختی کودک گزارش کردند(۴۰-۳۹). در این میان، برخی پژوهش‌ها نیز رابطه آماری معناداری بین اشتغال مادران و سلامت روان کودکان نیافتند(۴۱). مطالعات طولی انجام‌گرفته در استرالیا نیز شواهد ضعیفی از ارتباط بین اشتغال مادر و عملکرد اجتماعی-هیجانی کودک گزارش نمودند(۴۲). اخیراً یک مطالعه طولی انجام‌گرفته در استرالیا نشان داده است که کودکان مادران شاغل عملکرد روان‌شناختی بهتری نسبت به مادران غیر شاغل دارند. در کودکان

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

مادران غیر شاغل اختلالات درونی سازی بیشتر مشاهده شد که این ارتباط به‌طور مستقیم و بدون واسطه‌گری متغیرهایی چون سلامت روان والدین، سبک‌های فرزندپروری و درآمد خانواده بوده است(۱۰). یک مطالعهٔ طولی که اخیراً در ایالت متحده انجام‌گرفته نشان داد که اشتغال مادران با حمایت اجتماعی ادراک‌شده، ارتباط بهتر بین والد-کودک و کاهش علائم افسردگی در مادران همراه است. همچنین کودکان مادران شاغل بعدها در مدرسه، کمتر در رفتارهای قلدری مشارکت داشته و کیفیت رابطه بین مادر-کودک نیز در سال‌های بعدی همچنین حفظ شد(۴۳). در کانادا، نتایج پژوهش لیتبوی ۴-۰ سالگی کودکانشان به سرکار خود برمی‌گردند، کودکان آن‌ها رشد حرکتی و اجتماعی بهتری را در مقایسه با مادران غیر شاغل در همین بازه سنی کودکان، نشان می‌دهند.

باوجود یافته‌های متناقض در سراسر جهان در خصوص تأثیر اشتغال مادران بر بهداشت روانی کودکانشان، به نظر می‌رسد عوامل بسیاری در کنار اشتغال مادر بر رشد و سلامت روان کودکان اثرگذار هستند که بدون لحاظ کردن آن‌ها در تحلیل‌ها نمی‌توان مدلی جامع و کامل از تأثیر اشتغال مادر بر کودکان ایرانی ارائه نمود و بررسی نقش این متغیرها در پژوهش‌ها مغفول مانده است. به‌طور مثال، ساعت کاری مادر، متغیری است که می‌تواند رابطه بین اشتغال مادر و بهداشت روان کودک را تحت تأثیر قرار دهد. تحقیقات نشان داده‌اند کودکانی که مادرانشان کار نیمه‌وقت دارند یادگیری تحصیلی بهتری داشته‌اند درحالی‌که کودکان مادرانی که شغل تمام‌وقت داشتند رشد یادگیری کمتری را نشان دادند(۴۶-۴۵). عامل دیگری که می‌تواند نقش واسطه‌ای در رابطه بین اشتغال مادر و بهداشت روانی کودک ایفا کند، سطح تحصیلات مادر است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مادران شاغلی که تحصیلات بالاتری دارند از کیفیت والدگری بیشتری برخوردارند و در نتیجه فرزندانشان مشکلات سلامت روانی کمتری را تجربه می‌کنند(۴۷). همچنین مطالعات حاکی از آن است که اگر مادران شاغل زمان خود را مدیریت کنند و کنترل خود را بر زندگی کودکانشان حفظ کرده و بتوانند کیفیت تعامل خود را زمانی که در کنار آن‌ها هستند بالا ببرند، کودکانشان مشکلات رفتاری کمتری خواهند داشت(۴۸) سایر عوامل مرتبط با اشتغال زنان شامل تعارض خانواده-کارِ مادر(۴۹)، وضعیت اشتغال مادر(۵۰) و زمینهٔ اجتماعی اقتصادی خانواده(۵۱) ممکن است با سلامت روان کودکان ارتباط داشته باشد. برای مثال، هرچه تعارض بین خانواده و محل کار بیشتر باشد، ارتباط بین والد-کودک کمتر می‌شود و می‌تواند اثر منفی بر سلامت روان کودک بگذارد. وضعیت اشتغال مادر(به‌عنوان‌مثال نیمه‌وقت یا تمام‌وقت بودن شغل) و سایر زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی(برای مثال، تحصیلات مادر، ساختار خانواده، وضعیت مالی خانوار و برنامه کاری مادر) می‌تواند این فرایند را تسهیل کنند(۵۲).

یک تئوری مطرح در این زمینه، تئوری نقش است که بیان می‌کند افراد در تلاش برای برآورده کردن تقاضاهای نقش‌های متعددی که در زندگی برعهده دارند، تعارض‌هایی را تجربه می‌کنند(۵۳). در نهایت، زمانی که صرف انجام وظایف یک نقش می‌شود، زمان پرداختن به نقش دیگر را محدود می‌کند و استرس‌آورهای همراه با یک نقش به‌طور منفی بر عملکرد فرد در نقش دیگر اثر می‌گذارد(۱۴). در مورد مادران شاغل، زمانی که آن‌ها در محل کار و به دور از کودکانشان می‌گذرانند به‌علاوه استرس ناشی از کار می‌تواند بر رابطه و تعاملات آن‌ها در خانه و با فرزندانشان اثرگذار باشد. مطالعات نشان داده‌اند که شغل تمام‌وقت مادران اثرات منفی بر سلامت روان کودکان دارد که در شغل پاره‌وقت مادران دیده نمی‌شود. در نتیجه اشتغال پاره‌وقت زنان می‌تواند یک‌راه حل سازگارانه باشد که به‌وسیله آن مادران از مزایای مالی اشتغال بهره‌مند شوند و درعین‌حال بتوانند زمان بیشتری برای فعالیت‌های شخصی و مسئولیت‌های فرزندپروری داشته باشند(۵۱-۵۰). همچنین، تئوری فشار نقش استدلال می‌کند که رابطه بین اشتغال مادر و

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

سلامت روان کودک می‌تواند توسط تعارض خانواده-کار نسبت به ساعت کاری مادر و یا وضعیت کاری او به‌تنهایی، بهتر تبیین شود(۵۲). تعارض شدید بین مسئولیت‌های مادر در خانه و خانواده و مسئولیت‌های او در محل کار می‌تواند فشار نقش را شدیدتر کند، در مسئولیت‌های والدگری مادر تداخل کرده و اثرات منفی بر بهداشت روانی کودک بگذارد. سایر مادران ممکن است تعارض کار-خانواده کمتری را تجربه کنند به این معنا که تجربهٔ اشتغال می‌تواند اثر کمی بر نقش مادری آن‌ها بگذارد زمانی که تعارض بین کار-خانواده کم است(۴۹). برنامه کاری غیراستاندارد مادر با سلامت روانی پایین‌تر، مشکلات رفتاری بیشتر و چاقی بیشتر در بین کودکان همراه است(۵۵-۵۴).

درنهایت، بررسی بیشتر عوامل دخیل در اثرگذاری وضعیت اشتغال مادر بر سلامت روانی کودکان می‌تواند در ارائهٔ برنامه‌های کاری برای مادران و نیز آموزش مهارت‌های فرزند پروری متناسب با وضعیت اشتغال مادران طراحی کرد تا بتوان از بروز مشکلات سلامت روان در کودکانشان پیشگیری نمود.

نتیجه‌گیری

به‌طورکلی، تأثیر اشتغال مادر بر بهداشت روانی کودک تابع عوامل و مکانیسم‌های متعددی است. هافمن(۱۹۸۹) معتقد است که اشتغال مادران به‌خودی‌خود متغیری نیست که بتواند تأثیر نامطلوبی بر کودک بگذارد بلکه متغیرهای دیگری وجود دارند که می‌توانند نقش واسطه‌ای و تعدیل‌کننده داشته باشند(۵۱). خانجانی و محمودزاده(۳۳) مطرح کرده‌اند که احتمالاً اشتغال مادران به‌تنهایی قدرت لازم برای پیش‌بینی مشکلات سلامت روان کودکان را نداشته باشد و عوامل متعدد دیگر ازجمله سن کودک هنگام جدایی روزانه از مادر، نوع تمام‌وقت یا پاره وقت بودن شغل مادر، میزان مشارکت پدر در مراقبت از کودک و ... بر رابطه اشتغال مادر و مشکلات سلامت روانی کوک تأثیر گذارند. پس نمی‌توان یک رابطه خطی بین اشتغال مادر و بهداشت روانی کوک متصور شد و احتمالاً وجود یافته-های متناقض در پژوهش‌ها به دلیل عدم توجه به نقش این متغیرهای واسطه‌ای است. لذا تحقیقات آتی باید متغیرهای بیشتری(از جمله رضایت شلی مادر، میزان حمایت خانواده، ساعت کاری و درآمد مادر، نوع ارتباط مادر-کودک، سبک فرزندپروری مادر، سلامت روان مادر و ...) را در تحلیل‌های خود وارد کنند. بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای در این بین می‌توانند مدل جامعه‌تری از تأثیر اشتغال بر بهداشت روانی کودکانی از سنین متفاوت را فراهم کنند. این پژوهش صرفاً بر روی مادرا ن ایرانی آنجا گرفته است و باید برای تعمیم نتایج برای مادران غیرایرانی جانب احتیاط رعایت شود.

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

جدول شماره ۱: مشخصات مقالات منتخب

نویسندگان	سال	نمونه	شهر انجام تحقیق	نوع مطالعه	یافته ها
افلاطونیان و همکاران (۲۶)	۱۳۹۳	۸۰ کودک دارای مادر شاغل و ۸۰ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۹-۷	کرمان	علی مقایسه‌ای	نگرانی، مشکل در خواب و نافرمانی در کودکان مادران شاغل و عصبی بودن در کودکان مادران خانه دار به طور معناداری بیشتر بود.
خدابخشی کولایی و همکاران (۲۷)	۱۳۹۴	۱۰۰ کودک دارای مادر شاغل و ۱۰۰ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۶-۵	اراک	علی مقایسه‌ای	تفاوت معناداری در میزان اختلالات برون داد در دو گروه از کودکان دیده نشد ولی فقدان حضور مادر بر کیفیت رابطه با کودک تأثیرگذار است.
احمدی و تقوی (۲۸)	۱۳۸۲	۱۴۰ کودک دارای مادر شاغل و ۱۴۰ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۱۱-۱۰	دامغان	علی مقایسه‌ای	اشتغال مادر باعث سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتر در کودکشان می شود. همبستگی مثبت بین رضایت شغلی مادران و عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندانشان به تأیید رسید.
علی‌پور و همکاران (۲۹)	۱۳۹۵	۱۰۰۰ کودک دارای مادران شاغل ۶-۵ ساله	قزوین	همبستگی	رابطه مثبت معناداری بین اشتغال مادران و اضطراب کودکان وجود دارد.
وحیدا و همکاران (۳۰)	۱۳۹۲	۱۳۲ کودک دارای مادر شاغل و ۱۳۶ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۱۵-۱۲ ساله	اصفهان	علی مقایسه‌ای	اجتماعی شدن، پیشرفت تحصیلی و بهداشت روانی، استقلال و خودکفایی فرزندان مادران شاغل بیشتر از فرزندان مادران خانه دار است.
حسینی‌نسب و خضرلوی اقدم (۳۱)	۱۳۸۸	۱۴۸ کودک دارای مادر شاغل و ۲۵۲ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۷-۱۱ ساله	تبریز	علی-مقایسه‌ای	سازگاری دختران در بین مادران خانه دار بالاتر از مادران شاغل بوده است. بین رضایت شغلی و سازگاری فرزندان ارتباط مثبتی وجود دارد.
رضایی جمالویی و همکاران (۳۲)	۱۳۹۲	۱۰۰ کودک دارای مادر شاغل و ۱۰۰ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۱۸-۱۵ ساله	سرپل ذهاب	علی-مقایسه‌ای	کودکان مادران شاغل افسردگی و رفتارهای ضداجتماعی بیشتر و کودکان مادران خانه دار رفتارهای هیستری گونه بیشتری دارند.
خانجانی و محمودزاده (۳۳)	۱۳۹۲	۵۱ کودک دارای مادر شاغل و ۶۹ کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۶-۵ ساله	تبریز	علی مقایسه‌ای	کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم نداشتند.
عمرانیان و شیخ الاسلامی (۳۴)	۱۳۹۱	۱۳۸ کودک دارای مادر شاغل و ۱۸-۱۵ ساله	شیراز	همبستگی	وضعیت اشتغال مادر نمی تواند ارضای نسازهای اساسی روان شناختی را در فرزندانشان پیش بینی کند.
فدایی (۳۵)	۱۳۸۸	۲۴۰ کودک دارای مادر شاغل و ۱۶۰کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۵-۲ ساله	کرمان	همبستگی	رشد اجتماعی کودک با اشتغال مادر رابطه مثبت و معنی دار دارد. شیفت کاری کمتر با رشد اجتماعی بیشتر در کودکان مادران شاغل ارتباط دارد
قنبری و همکاران (۳۶)	۲۰۱۷	۲۴۰ کودک دارای مادر شاغل و ۱۶۰کودک دارای مادر غیرشاغل دارای سن ۱۸-۱۲ ساله	گناباد	علی مقایسه‌ای	کیفیت زندگی کودکان مادران شاغل در ابعاد روانی، جسمی، روابط اجتماعی، هیجانی، مذهبی، رسیدن به اهداف، زمان تفریح و اقتصادی از کودکان مادران خانه دار بالاتر بود. اما در ارتباط با والدین تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشد.

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

References

1. Aghdam F, Ahmadzadeh S, Hassanalizadeh Z, Ebrahimi F, Sabzmakan L, Javadivala Z. The effect of maternal employment on the elementary and junior high School students' mental health in Maku. Glob J Health Sci. 2015;7(2):379–89.
2. Singh L. Impact of Working Mothers on their Children's Development. Innov Res Concept. 2018;3(3):18–21.
3. Ravnbol CI. Ravnbol, C. I. Women motherhood early childhood development. UNICEF report, 2011.
4. Maleki M, Chehrzad MM, Kazemnezhad Leyli E, Mardani A, Vaismoradi M. Social Skills in Preschool Children from Teachers' Perspectives. Children. 2019;6(5):64.
5. Hosokawa R, Katsura T. Marital relationship, parenting practices, and social skills development in preschool children. Child Adolesc Psychiatry Ment Health. 2017;11(1):2.
6. Heckman JJ, Mosso S. The Economics of Human Development and Social Mobility. Annu Rev Econom. 2014;6(1):689–733.
7. Kim M, Ali S, Kim HS. Parental Nonstandard Work Schedules, Parent–Child Communication, and Adolescent Substance Use. J Fam Issues. 2016;37(4):466–93.
8. Copeland WE, Shanahan L, Hinesley J, Chan RF, Aberg KA, Fairbank JA, et al. Association of Childhood Trauma Exposure With Adult Psychiatric Disorders and Functional Outcomes. JAMA Netw open. 2018; 1(7):e184493.
9. Lehto K, Hägg S, Lu D, Karlsson R, Pedersen NL, Mosing MA. Childhood Adoption and Mental Health in Adulthood: The Role of Gene-Environment Correlations and Interactions in the UK Biobank. Biol Psychiatry. 2020; 87(8):708–716.
10. Salimiha A, Perales F, Baxter J. Maternal employment and children's socio-emotional outcomes: an Australian longitudinal study. Int J Public Health. 2018;63(9):1089–98.
11. Cobb-Clark DA, Salamanca N, Zhu A. Parenting style as an investment in human development. Journal of Population Economics. 2019;32(4):1315-52.
12. Williams JC, Berdahl JL, Vandello JA. Beyond Work-Life "Integration." Annu Rev Psychol. 2016; 67(1):515–539.
13. 13. Allen TD, Martin A. The work-family interface: A retrospective look at 20 years of research in JOHP. J Occup Health Psychol. 2017;22(3):259–272.
14. Greenhaus JH, Beutell NJ. Sources of Conflict between Work and Family Roles. Acad Manag Rev. 1985; 10(1):76.
15. Craig L, Powell A. Non-standard work schedules, work-family balance and the gendered division of childcare. Work Employ Soc. 2011;25(2):274–291.
16. Kelly EL, Moen P, Oakes JM, Fan W, Okechukwu C, Davis KD, et al. Changing Work and Work-Family Conflict: Evidence from the Work, Family, and Health Network. Am Sociol Rev. 2014;79(3):485–516.
17. Hsin A, Felfe C. When Does Time Matter? Maternal Employment, Children's Time With Parents, and Child Development. Demography. 2014;51(5):1867–1894.
18. Barnett RC, Brennan RT. The relationship between job experiences and psychological distress: A structural equation approach. J Organ Behav. 1995;16(3):259–276.
19. Hyde JS. Women, Men, Work, and Family: Expansionist Theory Updated. In: McHale S., King V., Van Hook J., Booth A, editors. Gender and Couple Relationships National Symposium on Family Issues. New York: Springer, Cham. 2016:93–109.
20. Coley RL, Lombardi CM. Does Maternal Employment Following Childbirth Support or Inhibit Low-Income Children's Long-Term Development? Child Dev. 2013;84(1):178–197.
21. Roxburgh S. Parental Time Pressures and Depression Among Married Dual-Earner Parents. J Fam Issues. 2012;33(8):1027–1053.
22. Gialamas A, Mittinty MN, Sawyer MG, Zubrick SR, Lynch J. Child care quality and children's cognitive and socio-emotional development: An Australian longitudinal study. Early Child Dev Care. 2014; 184(7):977–997.
23. Chen HM, Lewis DC. Chinese Grandparents' Involvement in Their

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

Adult Children's Parenting Practices in the United States. Contemp Fam Ther. 2015;37(1):58–71.
24. Chen WW, Wu CW, Yeh KH. How parenting and filial piety influence happiness, parent–child relationships and quality of family life in Taiwanese adult children. J Fam Stud. 2016;22(1):80–96.
25. Moher D, Shamseer L, Clarke M, Ghersi D, Liberati A, Petticrew M, et al. Preferred reporting items for systematic review and meta-analysis protocols (PRISMA-P) 2015 statement. Syst Rev. 2015;4(1):1-20.
26. Aflatoonian B, Alam M, Mohamadi Purnajib T, Mohamadzadeh M. Evaluation and Comparison of Behavior Problems of 7 to 9-Year-Old Children Based on Working Mothers and Housewives in Kerman. Heal Dev J. 2014;3(2):94–105.
27. Khodabakhshi koolaee, A Hassani H, Falsafinejad M. The Comparison of Child-Parent Relationship and Externalizing Disorders in Children with Employed and Unemployed Mother. Q J Career Organ Couns. 2015;7(23):92–103.
28. Ahmadi A, Taghavi H. The effect of mothers' employment on children's behavioral and educational performance. J Women Res. 2004;1(5):105–124.
29. Alipour G, Sayadi A, Haqiqi A. Demographic Characteristics and Anxiety among Children 5 to 6 Years Old. Zanko J Med Sci. 2016;17(52):55–64.
30. Vahida F, Jahanbakhsh E, Nasoohian M. Comparison of Social-Educational Characteristics of the Children of Working and Unemployed Mothers in Middle School (Isfahan). J Soc Sci. 2014;7(4):19–40.
31. Hosseininasab D, Khozarlo L. A study of the relationship between mothers employment and the adaptation rate of the primary school girls in Tabriz. woman Stud Fam. 2009;1(4):99–114.
32. Rezaee Jamaluye H, Abolghasemi A, Abdilmohammadi A, Pourkord M, Moradi H. Investigating and comparing personality traits in High school boy with working and unemployed mothers. woman Stud Fam. 2014;1(2):95–110.
33. Khanjani Z, Mahmooszadeh R. Comparison of Parenting Styles and Behavioral Disorders in Children of Working and Unemployed Mothers. J Woman Sci Cult. 2013;4(2):45–61.
34. Omranian M, Sheikholeslami R. The Role of Attachment Styles in Satisfying Basic Psychological Needs of Children with Regard to Mothers' Employment Status. Woman Cult Art. 2014;1(2):95–110.
35. Fadaee N. The relationship between mothers' employment and children's social development. woman Stud Fam. 2011;2(5):67–86.
36. Ghanbari R, Sarooghani B, Darabi F, Bahri N, Abolfathi M. The effect of women's employment on children's quality of life. J Res Heal Soc Dev Heal Promot Res Cent. 2017;7(3):803–809.
37. Hope S, Pearce A, Whitehead M, Law C. Family employment and child socioemotional behaviour: longitudinal findings from the UK Millennium Cohort Study. J Epidemiol Community Health. 2014; 68(10):950–957.
38. McMunn A, Kelly Y, Cable N, Bartley M. Maternal employment and child socio-emotional behaviour in the UK: Longitudinal evidence from the UK Millennium Cohort Study. J Epidemiol Community Health. 2012;66(7): 25-33
39. Berger L, Brooks-Gunn J, Paxson C, Waldfogel J. First-year maternal employment and child outcomes: Differences across racial and ethnic groups. Child Youth Serv Rev. 2008;30(4):365–387.
40. Baum CL. Does Early Maternal Employment Harm Child Development? An Analysis of the Potential Benefits of Leave Taking. J Labor Econ. 2003;21(2):409–448.
41. Lucas-Thompson RG, Goldberg WA, Prause JA. Maternal Work Early in the Lives of Children and Its Distal Associations With Achievement and Behavior Problems: A Meta-Analysis. Psychol Bull. 2010; 136(6):915–942.
42. Lombardi CMP, Coley RL. Early Maternal Employment and Children's Academic and Behavioral Skills in Australia and the United Kingdom. Child Dev. 2017;88(1):263–281.
43. Malm EK, Henrich CC. Longitudinal Relationships Between Parent Factors, Children's Bullying, and Victimization Behaviors. Child Psychiatry Hum Dev. 2019;50(5):789–802.
44. Lightbody TK, Williamson DL. The Timing and Intensity of Maternal Employment in Early Childhood: Implications for Canadian Children. J

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]

Child Fam Stud. 2017;26(5):1409–1421.
45. Youn MJ, Leon J, Lee KJ. The influence of maternal employment on children's learning growth and the role of parental involvement. Early Child Dev Care. 2012;182(9):1227–1246.
46. Crosnoe R, Augustine JM, Huston AC. Children's Early Child Care and Their Mothers' Later Involvement With Schools. Child Dev. 2012;83(2):758–772.
47. Augustine JM. Mothers' Employment, Education, and Parenting. Work Occup. 2014;41(2):237–270.
48. Huston AC, Aronson SR. Mothers' time with infant and time in employment as predictors of mother-child relationships and children's early development. Child Dev. 2005;76(2):467–482.
49. Allen TD, Herst DE, Bruck CS, Sutton M. Consequences associated with work-to-family conflict: a review and agenda for future research. J Occup Health Psychol. 2000;5(2):278–308.
50. Buehler C, O'Brien M. Mothers' Part-Time Employment: Associations With Mother and Family Well-Being. J Fam Psychol. 2011;25(6):895–906.
51. Goldberg WA, Prause JA, Lucas-Thompson R, Himsel A. Maternal Employment and Children's Achievement in Context: A Meta-Analysis of Four Decades of Research. Psychol Bull. 2008;134(1):77–108.
52. Holmes EK, Holladay HM, Hill EJ, Yorgason JB. Are mothers' work-to-family conflict, school involvement, and work status related to academic achievement? J Child Fam Stud. 2018;27(6):1881–1898.
53. Goode WJ. A theory of role strain. Am Sociol Rev. 1960;25:483–496.
54. Li J, Johnson SE, Han WJ, Andrews S, Kendall G, Strazdins L, et al. Parents' nonstandard work schedules and child well-being: A critical review of the literature. Journal of Primary Prevention. 2014; 35(3): 53–73.
55. Fitzsimons E, Pongiglione B. The impact of maternal employment on children's weight: Evidence from the UK. SSM - Popul Heal. 2019;7:100333.

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-11]